

# کتاب اعمال رسولان

درس دوم

ساختار و محتوا



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

---

سرشناسه: کتاب اعمال رسولان (درس شماره ۲: ساختار و محتوا)

مدرس: هانس بایر

---

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

### مقدمه

### فن بیان

هدف نگارشی

روایت تاریخی

پیغام انجیل

تکیه بر اقتدار

گفتار

اعمال

الگوی ساختاری

خلاصه اظهارات

رشد کلیسا

### محتوا

اورشلیم

یهودا و سامره

اقصای جهان

فینیقیه، قبرس و انطاکیه

قبرس، فریجیه و غلاطیه

آسیا، مکادونیه و اخائیه

روم

### کاربرد امروزی

سبک ادبی

سبک گزینشی

سبک دنباله‌دار

اشارات ضمنی

ناپیوستگی‌ها

زمان متفاوت

شرایط متفاوت

### پیوستگی

همان خدا

همان هدف

همان انجیل

### نتیجه‌گیری

### مقدمه

گاهی به خاطر تدریس، این موقعیت نصیب می‌شود که به کشورهای زیادی در اطراف جهان سفر کنیم. قبل از هر سفری، همیشه می‌خواهم از دو موضوع مطلع باشم. اول، باید بدانم کجا می‌روم؛ و دوم، باید بدانم چطور می‌توانم به آنجا بروم. آیا باید بلیط هواپیما بگیرم؟ سوار اتوبوس بشوم؟ یا از وسیله نقلیه دیگری استفاده کنم؟ وقتی کتاب اعمال را می‌خوانیم هم، باید کاری تقریباً شبیه این انجام بدهیم. مواردی که به یاری ما می‌آیند عبارتند از اطلاع از اینکه داستان به کجا می‌رود و نیز شناخت فنون ادبی یا زمینه‌چینی‌هایی است که لوقا برای هدایت ما به سوی هدفمان مورد استفاده قرار می‌دهد.

این دومین درس از مجموعه دروس کتاب اعمال رسولان است. در این دروس به بررسی مدارکی می‌پردازیم که از کلیسای اولیه در ادامه خدمات عیسی به ثبت رسیده است. برای این درس عنوان «ساختار و محتوا» را در نظر گرفته‌ایم زیرا روش‌های تدوین مطالب توسط لوقا و پیام تعلیمی مورد نظر او را بررسی خواهیم کرد. بررسی ساختار و محتوای اعمال را به سه بخش تقسیم خواهیم کرد. اول، به فن بیان کتاب می‌پردازیم و به روش نگارش اعمال توسط لوقا و همچنین به تاثیری که باید بر روش تفسیر ما از آن بگذارد، نگاهی خواهیم انداخت. دوم، محتوای کتاب را بررسی می‌کنیم و نظم و ترتیب مطالب آن را مورد توجه قرار می‌دهیم و خواهیم دید که در قرن اول از این مطالب چه برداشتی می‌شد. و سوم، الگویی را برای کاربرد امروزی کتاب ارائه خواهیم داد که نشان می‌دهد چطور پیام باستانی لوقا می‌تواند با قدرت در روزگار ما سخن بگوید. بیایید ابتدا به فن بیان کتاب اعمال نگاهی بیندازیم.

### فن بیان

وقتی مشغول خواندن یکی از کتاب‌های کتاب مقدس می‌شویم، آشنایی با روش استدلال و بیان دیدگاه نویسنده، حائز اهمیت است. باید سوالاتی از خودمان بپرسیم، مثلاً: چرا نویسنده این کتاب را نوشته است؟ او برای اثبات دعاوی خود به چه منابع موثقی رجوع کرده است؟ نویسنده چگونه کتابش را تدوین کرده تا خوانندگان خود را به نتیجه‌گیری مناسب هدایت کند؟ جواب به این سوالات چنان درکی ارائه می‌دهد که هرگز نباید نادیده‌شان بگیریم.

در مقدمه کتاب اعمال، بر سه جنبه از فن بیان لوقا متمرکز خواهیم شد. اول، درباره هدف او از نگارش اعمال سخن خواهیم گفت. دوم، به تکیه او بر منابع موثق اشاره می‌کنیم. و سوم، درباره بعضی از الگوهای ساختاری که لوقا در سرتاسر کتاب به کار برده، سخن خواهیم گفت. بیایید با بررسی هدف لوقا از نگارش کتاب اعمال شروع کنیم.

### هدف نگارشی

وقتی مردم دست به نوشتن نوشته‌های طولانی و پیچیده می‌زنند، معمولاً اهداف و نیت‌های زیادی در دل دارند. این موضوع برای لوقا نیز در هنگام نوشتن دو کتاب انجیل لوقا و اعمال صادق بود. او امید داشت که نوشته‌هایش به روش‌های متفاوتی بر زندگی تئوفیلوس و اعضای کلیسا اثرگذار باشد. پس باید مراقب باشیم مبدا ساده‌انگارانه به اهداف او نگاه کنیم. با این حال، لوقا آشکارا بیان کرد که برای نوشته‌هایش یک هدف دارد. همانطور که خواهیم دید، لوقا به سادگی اعلام کرد که در حین نوشتن، هدفی دوجانبه داشته است. از یک سو، به گفته خودش اهدافی تاریخی داشت و می‌خواست روایت تاریخی مستدل و قابل اعتمادی از کلیسا در قرن اول بنویسد و از سوی دیگر اعلام کرد که اهداف الهیاتی قابل توجهی دارد. خواست او این بود که حقیقت و اهمیت پیام انجیل را برساند و بر آن صحنه بگذارد. به هر دو جنبه هدف دوجانبه لوقا نگاهی خواهیم انداخت و کارمان را با قصد او از نوشتن یک روایت تاریخی صحیح شروع می‌کنیم.

### روایت تاریخی

در مقدمه انجیل لوقا ۱: ۱-۳، لوقا اظهار می‌کند مصلحت دیده تا روایت تاریخی درستی از کلیسای اولیه بنگارد. به سخنان او در این قسمت گوش بدهید:

از آنجا که بسیاری دست به تالیف حکایت اموری زده‌اند که نزد ما به انجام رسیده است، درست همان‌گونه که آنان که از آغاز شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما سپردند، من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم. (لوقا ۱: ۱-۳، ه. ن)

اهمیتی که روایت تاریخی درست برای لوقا دارد، از چند نظر در این متن آشکار است. او به «اموری که نزد ما به انجام رسید» اشاره می‌کند، یعنی وقایع تاریخی که به وقوع پیوسته بود. لوقا همچنین بیان می‌کند که با «شاهدان عینی» صحبت کرده و «به دقت» جزئیات آنچه به ثبت رسانده را «بررسی کرده» است. او همچنین

روایتش را «به شکلی منظم» نوشته تا حقیقت گزارش خود را به طور روشن و با دقت تمام با مخاطبانش در میان بگذارد.

به طور خلاصه، لوقا در نظر داشت تا در دو جلد نوشته‌اش در انجیل و اعمال، روایت تاریخی صحیحی ارائه دهد که با زندگی عیسی در انجیل آغاز می‌شد و با کلیسای اولیه در کتاب اعمال ادامه می‌یافت. لوقا نگران به ثبت رساندن روایت تاریخی صحیح بود زیرا اصلی اساسی را درک کرده بود که در سرتاسر کتاب مقدس تکرار می‌شد، و آن عبارت بود از اینکه: خدا خود را در تاریخ واقعی، در زمان و مکان آشکار می‌سازد. خدا در طول تاریخ مشغول کار است تا نجات و داوری خود را به اجرا درآورد.

متأسفانه، در سده‌های اخیر بسیاری از منتقدین، اینطور استدلال کرده‌اند که مفاهیم «نجات» و «داوری» دو به دو با تاریخ واقعی ناسازگارند. ادعای عمومی آنها این است که اعمال ماوراءالطبیعی خدا به سادگی در تاریخ، یعنی در مکان و زمان واقعی اتفاق نمی‌افتد. در نتیجه وقتی متألّهین منتقد دربارهٔ اعمال خدا در کتاب مقدس می‌خوانند، اغلب این روایت‌ها را به عنوان مظاهری از احساسات و عواطف مذهبی غیرواقعی و نوعی «داستان خیالی مذهبی» در نظر می‌گیرند.

اما لوقا شخصا تصریح می‌کند که تلاش او نگارش یک داستان خیالی مذهبی نیست؛ بلکه قصد داشته تا تاریخ حقیقی را گزارش دهد. در واقع، شیوهٔ نگارش او طوری بود که به سادگی می‌شد آن را تصدیق یا رد کرد. به عنوان مثال، لوقا روایت‌های خود را در اثنای زمینه‌های تاریخی مشهوری می‌نوشت. مثلاً در کتاب اعمال، به افرادی مانند عمالائیل در ۵: ۳۴، گالیو در ۱۸: ۱۲، فلیکس در ۲۳: ۲۶، و فستوس در ۲۴: ۲۷ اشاره شده است که همگی افرادی شناخته شده در جهان باستان یهود و روم بودند. لوقا با اشاره به این افراد و سایر جزئیات تاریخی، بررسی مستقل خوانندگان خود را در مورد تحقیقاتش، ممکن می‌ساخت. آنها می‌توانستند با کسانی که این افراد و وقایع مورد اشاره او را می‌شناختند، صحبت کنند و در برخی موارد می‌توانستند نوشته‌های سایرین را در مورد همان موضوعات بخوانند. اگر گزارش‌های لوقا واقعیت محض نبود، افراد شکاک به سادگی می‌توانستند آنها را رد کنند.

مخصوصاً از اواخر قرن ۱۹ میلادی، تعدادی از متخصصین صحت تاریخی کتاب اعمال را در مقایسهٔ آن با بسیاری از متون غیرکتاب مقدسی و سایر داده‌های باستان‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند. بسیاری از این مطالعات از نظرات مختلف نشانگر آن بودند که لوقا مورخ قابل اعتمادی است، اما در اینجا به دلیل محدودیت وقت تنها می‌توانیم به چند نمونهٔ مشخص از آنها اشاره کنیم.

اول، لوقا در اعمال ۲۸: ۷، آشنایی خود را با اصطلاح تاریخی مشخصی منعکس می‌کند. در آنجا او به رهبر جزیرهٔ مالتا به عنوان «رئیس جزیره» اشاره می‌کند. این اصطلاح غیرعادی برای بسیاری از مفسرین در طول قرون متمادی معما بود، اما تحقیقات باستان‌شناسی اخیر نشان داده‌اند که در آن زمان عنوان رسمی رهبر در واقع همین اصطلاح بوده است.

دوم، در اعمال ۲۷: ۲۱-۲۶، لوقا عملکرد پولس بر عرشه کشتی را طوری توصیف می‌کند که توسط تحقیقات تاریخی بر آنها صحنه گذارده شده است. در آنجا لوقا می‌نویسد که پولس با همه کارمندان کشتی‌ای که حامل او به روم بود صحبت کرد و آنها را در یک توفان سهمگین تشویق نمود و توصیه‌هایی کرد. بسیاری از دانشمندان منتقد در گذشته استدلال می‌کردند که صحبت عمومی پولس به عنوان یک زندانی در آن موقعیت غیرممکن بوده است. اما تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که قانون دریایی قرن اول در مواقع خطر جدی، به هر یک از مسافران کشتی این اجازه را می‌داده تا با کارمندان کشتی صحبت و به آنها توصیه‌هایی کنند.

این مثال‌ها نشان‌دهنده امانت‌داری لوقا نسبت به واقعیت‌های تاریخی هستند؛ و قصد او از نوشتن روایتی مبتنی بر وقایع تاریخی حقیقی به ما یادآور می‌شود که حقیقت جاودانی خدا به هیچ‌وجه جدا از واقعیت‌های زندگی نیستند. بلکه در ایمان کتاب مقدسی، نجات در تاریخ واقعی و از طریق آن وارد عمل می‌شود. به همین دلیل لوقا تا این اندازه نسبت به نگارش روایت تاریخی صحیح حساسیت به خرج می‌دهد.

### پیغام انجیل

با در ذهن داشتن هدف تاریخی لوقا، باید به بعد دیگر قصد و نیت او اشاره کنیم، یعنی: هدف الاهیاتی او که واقعیت و قدرت پیغام انجیل را در کتاب اعمال ارائه می‌دهد. یک‌بار دیگر به سخنان او در لوقا ۱: ۳-۴ گوش بدهید:

من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم، تا از درستی آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید. (لوقا ۱: ۳-۴، ه. ن)

همانطور که در اینجا می‌بینیم، لوقا تاریخ اعمال را به منظور تایید تعلیماتی می‌نویسد که تئوفیلوس و سایرین یافته بودند. این بدان معناست که کتاب اعمال را می‌توان به عنوان نوعی تاریخ کلیسایی یا تعلیمی تلقی کرد. لوقا می‌خواست تئوفیلوس و سایر خوانندگانش دیدگاه‌های خاص، اعتقادات الاهیاتی خاص، و جنبه‌های فکری مشخصی در مورد اهمیت الاهیاتی وقایع تاریخی‌ای بیابند که او در کتاب اعمال به ثبت رسانده بود.

همانطور که در درس قبل دیدیم، لوقا جهان و کل تاریخ را از پشت ذره‌بین خداوندی و پادشاهی مسیح می‌نگریست. او می‌دید که امیدها و وعده‌های عهد عتیق از طریق عیسی و کلیسا به انجام می‌رسند. و می‌خواست تئوفیلوس گزارشی که او از وقایع کلیسای اولیه به ثبت رسانده بود را با این ذره‌بین نگاه کند، و ببیند که چگونه مسیح، به واسطه روح خدا، پادشاهی خدا در مسیح را برقرار کرد و به بنای آن ادامه می‌داد. پس امروز وقتی کتاب اعمال را می‌خوانیم، باید همواره به خاطر داشته باشیم که لوقا وقایع حقیقی را به ثبت رسانید تا فقط بدانیم

مدت‌ها پیش چه اتفاقاتی افتاده است. بلکه فراتر از آن، او قصد داشت نظر خوانندگان را به تعلیماتی جلب کند که برای کلیسا اساسی بودند، یعنی: شواهد قابل اطمینان از ادامه کار مسیح به واسطه روح‌القدس.

### تکیه بر اقتدار

با به خاطر سپردن هدف دوجانبه لوقا، آماده‌ایم تا به جنبه دیگر فن بیان او بپردازیم، یعنی: تکیه او بر اقتدار. لوقا حقایق تاریخی و الاهیاتی‌ای که به ثبت رساند را بر اساس اقتدار خودش نوشت، بلکه با تکیه بر اقتدار مسیح و رسولانش دست به نگارش آنها زد. به این طریق، لوقا به عنوان یک شاهد واقعی انجیل خدمتش را انجام داد.

یک موضوع قابل تامل در اعمال، مقدار حجم تخصیص داده شده به سخنان و کارهای کسانی است که شاهدان کلیدی مسیح محسوب می‌شدند. وقتی مسیح به آسمان صعود کرد، رسولانش را به عنوان شاهدان خود خواند و به آنها قدرت بخشید تا با تکیه بر او، کار پادشاهی‌اش را ادامه دهند. او به طور متناوب به انبیا و سایر رهبران برجسته کلیسا قدرت بخشید تا پیغامش را نیز اعلام کنند. لوقا در حین متقاعد کردن تئوفیلوس و کلیسای گسترده‌تر نسبت به دیدگاه‌هایش، بارها و بارها به رهبران کلیسا، خصوصا به رسولان و انبیا رجوع می‌کند تا نظریات خودش را به تماشا بگذارد و به آنها سندیت ببخشد.

برای بررسی جزئیات بیشتر تکیه لوقا بر اقتدار، بر دو موضوع متمرکز خواهیم شد. اول، روش به کارگیری سخنان مقتدرانه توسط لوقا. و دوم، به اشارات او به اعمال مقتدرانه‌نگاهی خواهیم انداخت. بیایید با تاکید لوقا بر سخنانی که در کلیسا اقتدار داشتند شروع کنیم.

### گفتار

همانطور که در درس قبل اشاره کردیم، لوقا یک رسول نبود. او احتمالا پس از صعود مسیح به آسمان، به او ایمان آورد. لوقا در طی سفرهایش با پولس و نیز جدا از او، به بررسی خدمات عیسی و رسولان مشغول بود و شهادت شاهدان عینی منتخب خداوند را به ثبت می‌رساند.

از یک نظر، همه پیروان مسیح شاهدان او هستند. اما، وقتی کلیسا پایه‌گذاری می‌شد، عیسی رسولانش را مامور کرد تا شاهدان موثق و عاری از خطای او باشند. آنها تنها کسانی بودند که او مقرر کرد و قدرت بخشید تا در زمان غیبتش به عنوان شاهدان دائمی و مقتدر او بر زمین خدمت کنند. از این گذشته، خداوند انبیا و سایر رهبران مقتدر کلیسا، مانند لوقا، را نیز فراخواند تا گاه به گاه، با اقتدار بر او شهادت دهند.

برجسته‌ترین روش ارائه سخنان مقتدرانه توسط لوقا، ثبت سخنانی‌ها بود. او به جای اینکه به سادگی در مورد تعلیم کلیسا اظهار نظر کند، به طور منظم سخنانی‌های مبسوط را به ثبت می‌رسانید و اجازه می‌داد تا



نمایندگانی که خداوند به آنها اقتدار بخشیده بود، به زبان خود به عنوان شخصیت‌های فعال در تاریخی که می‌نگاشت، صحبت کنند.

در واقع، حدود سی درصد از اعمال از مباحثات، گفتگوها، تک‌گویی‌ها، موعظه‌ها و سایر انواع سخنوری تشکیل شده است. این رقم بسیار بالاتر از منابع گفتاری در سایر روایت‌های باستانی است، احتمالاً به این دلیل که لوقا بر این سخنوری‌ها به عنوان توسل به اقتدار رسولان تکیه داشت. به طور کلی حدود ۲۴ سخنرانی در اعمال به ثبت رسیده: هشت سخنرانی از پطرس، نه سخنرانی از پولس، یک سخنرانی از استیفان، یک سخنرانی از یعقوب، و چند مورد از دیگران. اکثریت این سخنرانی‌ها توسط رسولان انجام شده؛ و بقیه نیز اغلب سخنرانی‌های انبیا و رهبران برجسته کلیساست.

اما این موضوع چه اهمیتی دارد؟ سخنرانی‌های درج شده در اعمال به ما می‌گوید رهبران کلیسای اولیه چه کسانی بودند و دربارهٔ بسیاری از مسائل چه طرز فکری داشتند. آنها به ما نشان می‌دهند که چرا شاگردان می‌خواستند به خاطر مسیح رنج را به جان بخرند. آنها گواهی بر خدمات رسولان به مسیح، و مدرکی از راهکارهای آنها برای بنای پادشاهی او هستند. این سخنرانی‌ها به دیدگاه‌های لوقا در مورد تاریخ کلیسای اولیه نیز اقتدار می‌بخشند.

اما، منتقدین زیادی در قرن نوزدهم و بیستم وجود داشتند که نمی‌پذیرفتند لوقا گزارشی صحیح از سخنرانی‌هایی که در اعمال نگاشته، به دست می‌دهد. و باید اذعان داشت که در گزارش‌های تاریخی جهان باستان نمونه‌هایی وجود دارد که در آنها سخنرانی‌ها بر اساس واقعیت ارائه نشده‌اند.

اما تعدادی از منتقدین و الاهی‌دانان انجیلی یا ایوانجلیکال بر این نکته تأکید دارند که مورخین زیادی قبل از لوقا، در روزگار او، و بعد از آن، سخت کار کرده‌اند تا سخنرانی‌های موجود در تاریخ‌نگاری‌های‌شان دقیقاً نمایشگر حقیقی آن سخنرانی‌های واقعی باشند. و در واقع، هرچه دقیق‌تر به سخنرانی‌های موجود در اعمال می‌نگریم، متوجه مدارک متقاعدکننده‌ای می‌شویم که لوقا یکی از این مورخین قابل اعتماد بوده، پس سخنرانی‌هایی که ارائه می‌دهد واقعا نمایانگر تعالیم مقتدرانهٔ رسولان است.

در درجهٔ اول به ثبت دقیق سخنرانی‌ها در اعمال اطمینان داریم چون لوقا از روح‌القدس الهام گرفت تا تاریخی موثق و معتبر بنویسد. با این حال، دست‌کم می‌توانیم از چهار روش دیگر ببینیم که سخنرانی‌های اعمال نمایه‌ای دقیق از سخنرانی‌های واقعی هستند.

اول، این سخنرانی‌ها شیوهٔ خودشان را دارند. در مقایسهٔ آنها با سایر قسمت‌های اعمال، به نظر طبیعی و با شیوه‌ای ساده می‌رسند. بعضی از آنها زبان یونانی زمخت و ناپیراسته‌ای به کار برده‌اند. این نشان می‌دهد که لوقا بیشتر نگران آن بود که دقیقاً آن چیزی را بنویسد که سخنرانان واقعا می‌گفتند، تا اینکه متوجه پالایش و پیرایش سخنرانی‌شان باشد.

دوم، سخنرانی‌ها به خوبی در چهارچوب مضمون‌شان جا می‌گیرند. هر سخنرانی متناسب با سخنران و مخاطبین ارائه شده است. به عنوان مثال، در اعمال باب ۴، پطرس پس از شفای مردی لنگ با رهبران یهود صحبت می‌کرد. هرچند سخنرانی او شامل اعلان نجات در مسیح است، که امکان دارد گمان ببریم لوقا آن را از خودش نوشته باشد، اما پطرس مستقیماً به شفای انجام شده به عنوان اثبات سخنانش متوسل می‌شود. گذشته از این، رهبران یهودی غیرایماندار نمی‌توانستند سخنان پطرس را تکذیب کنند چون خودشان شاهد آن شفا بودند. به همین ترتیب، سخنرانی‌های پولس نشانگر زمینه‌ی مربوط به خودشان هستند. مثلاً در اعمال باب ۱۳، لحن گفتار او در انطاکیه پیسیدیه با یهودیان و خداترسان با اعمال باب ۱۷ که مخاطبینش رواقیون و اپیکوریان بودند، کاملاً متفاوت است.

سوم، هر سخنرانی انعکاسی از شخصیت سخنران است. در حالیکه انتظار می‌رود مطالب مشترکی مطرح شود، اما هر سخنران ویژگی‌های خاصی را از خود نشان می‌دهد. مثلاً، سخنرانی پولس برای مشایخ افسسیان در باب ۲۰ اعمال شامل تعداد شگفت‌انگیزی از مطالب مشابه در نامه‌های پولس است. این دقیقاً همان سخنرانی‌ای است که از نویسنده آن نامه‌ها انتظار داریم.

چهارم، در بعضی قسمت‌ها، لوقا به وضوح بیان می‌کند که سخنرانی‌های خاصی را خلاصه یا مختصر کرده است. مثلاً، در اعمال ۲: ۴۰ اشاره می‌کند که پطرس «سخنان بسیار دیگر» گفت. این موضوع ما را به این باور متمایل می‌کند که هدف لوقا عموماً ارائه کامل‌تر سخنرانی‌ها در مضمون اصلی‌شان بوده است. با این روش‌ها و روش‌های دیگر می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که لوقا سخنرانی‌های صحیح تاریخی را ارائه داده است. او در اعمال این سخنرانی‌ها را از خود نساخته و جعل نکرده تا با اهدافش هماهنگ کند. برعکس، او مرجعیت توضیحات و جزئیات روایت خود را بر شهادت مقتدرانه واقعی رسولان قرار می‌دهد. لوقا علاوه بر ثبت سخنان مقتدرانه ایشان، بر روایت‌های موثق از عملکردهای کلیسای اولیه نیز متکی بود تا حامی پیغام الاهیاتی‌ای باشند که در طول کتاب اعمال به دست می‌داد.

## اعمال

روح‌القدس به طرق معجزه‌آسای بسیاری، رسولان- و گاهی نیز به انبیا و سایر رهبران برجسته کلیسای اولیه- را قدرت بخشید که به پیغام انجیل آنان اعتبار می‌داد. روح‌القدس از طریق معجزات، از عطای روحانی چشمگیر شفا گرفته تا زنده کردن مردگان، شهادت می‌داد که رسولان نمایندگان مقتدر مسیح هستند. اعمال ۱۳: ۷-۱۲ را در نظر بگیرید که در آن اعتبار خدمت پولس در برابر والی پافوس تایید شد. به روایت لوقا در آن قسمت گوش بدهید:

او از دوستان «سِرگیوس پولس» والی بود. والی که مردی خردمند بود، برنابا و سولس را به حضور فراخواند، زیرا می‌خواست کلام خدا را بشنود. اما علیمای جادوگر - که ترجمه نامش چنین است - به مخالفت با ایشان برخاست و کوشید والی را از ایمان آوردن، بازدارد. در این هنگام سولس، که پولس نیز نامیده می‌شد، پر از روح‌القدس شده، بدو چشم دوخت و گفت: «ای فرزند ابلیس، ای دشمن هر پارسایی، که پر از مکر و فریبی! چرا از کج کردن راه‌های راست خداوند باز نمی‌ایستی؟ بدان که دست خداوند بر ضد توست. اکنون کور خواهی شد و تا مدتی قادر به دیدن آفتاب نخواهی بود.» در دم، مه و تاریکی او را فروگرفت، و دور زده کسی را می‌جست که دستش را بگیرد و راه را به او بنماید. چون والی این واقعه را دید، ایمان آورد، زیرا از تعلیمی که درباره خداوند می‌دادند در شگفت شده بود. (اعمال ۱۳: ۷-۱۲، ۵. ن).

وقتی علیما کوشید تا مانعی در برابر انجیل ایجاد کند، روح‌القدس به پولس قدرت بخشید تا وی را کور کند. و تعلیم و اعمال پولس، والی را مجاب کرد که انجیل او حقیقی است. لوقا سخنان و اعمال مقتدرانه را به ثبت رساند تا خوانندگانش را نسبت به حقیقت روایت‌های خود مجاب کند. او می‌خواست خوانندگانش ببینند که رسولان توسط خداوند عیسی اقتدار یافته‌اند، و اینکه کلیسا در همه جا و در طول نسل‌ها در حین ادامه بنای پادشاهی خدا با اتکا بر مسیح، متعهد به پیروی از شهادت ایشان بوده است. حالا پس از بررسی هدف بیان شده لوقا و اتکای او بر اقتدار، آماده‌ایم تا نظری به بعد سوم فن بیان لوقا بیندازیم، یعنی: الگوی ساختاری‌ای که در سرتاسر کتاب اعمال به کار گرفته است.

### الگوی ساختاری

کتاب اعمال نشانگر الگوهای ساختاری زیادی است، اما به دلیل محدودیت زمانی، بر دو جنبه از ساختارهای اعمال متمرکز می‌شویم. اول، الگوی اصلی خلاصه اظهارات مکرر آن را بررسی خواهیم کرد. دوم، به الگوی رشد کلیسا که در اعمال پدیدار می‌شود، نگاهی خواهیم انداخت. بیایید با روش استفاده لوقا از خلاصه اظهارات کار را شروع کنیم.

### خلاصه اظهارات

نویسندگان کتاب مقدس در سطوح مختلف زیادی حضور خود را در روایت‌های‌شان نشان می‌دهند. گاهی، به‌خاطر اهداف عملی، آنها خود را در پشت جریان یک داستان پنهان می‌کنند. در موارد دیگر، آنها قدم پیش می‌گذارند تا توضیحات صریحی درباره آنچه در روایت‌های‌شان اتفاق می‌افتد، به خوانندگان ارائه دهند. لوقای نویسنده، در طول کتاب اعمال توضیحات زیادی می‌دهد. او اطلاعاتی در مورد پیش‌زمینه می‌دهد، نیت‌های قلبی

شخصیت‌ها را آشکار می‌کند، زمینه را توصیف می‌کند و بسیاری موارد دیگر. او این کار را انجام داد تا مطمئن شود پیامش به روشنی و امانت منتقل می‌شود. یکی از روش‌های معمول او برای توضیح وقایع در کتابش، از طریق خلاصه اظهارات است.

بسیاری از خوانندگان متوجه می‌شوند که کتاب اعمال، پیشروی انجیل از اورشلیم به بیرون را توصیف می‌کند. و در طول قدم‌های بعدی، لوقا مکثی می‌کند تا وقایع رخ داده تا آن قسمت را خلاصه کند. طرز استفاده لوقا از خلاصه اظهارات در شش دوره زمانی تاریخی او را مورد بررسی قرار خواهیم داد که عبارتند از: توفیق انجیل در اورشلیم، در یهودیه و سامره؛ از سامره تا انطاکیه سوریه؛ در قبرس، فریجیه و غلاطیه؛ در آسیا، مکادونیه و اخائیه؛ و از اورشلیم تا روم.

به عنوان مثال اعمال ۵: ۴۲ را در نظر بگیرید که در آن لوقا خلاصه‌ای از موفقیت و فعالیت کلیسا را اینطور بیان می‌کند:

هر روزه در هیکل و خانه‌ها از تعلیم و مژده دادن که عیسی، مسیح است دست نکشیدند. (اعمال ۵: ۴۲)

این روش خلاصه اظهارات است که لوقا به طور مرتب در سرتاسر کتاب اعمال ارائه می‌دهد تا مراحل موفقیت انجیل و رشد کلیسا را به طور برجسته نشان دهد. به توضیح او در اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱ گوش بدهید:

پولس دو سال تمام در خانه اجاره‌ای خود ساکن بود و هر که به نزد وی می‌آمد، می‌پذیرفت. و به ملکوت خدا موعظه می‌نمود و با کمال دلیری در امور عیسی مسیح خداوند بدون ممانعت تعلیم می‌داد. (اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱)

پس از نگاهی که به طرز جلب توجه لوقا به قسمت‌های مشخصی از تاریخ‌نگاری‌اش به واسطه خلاصه اظهارات انداختیم، باید الگوی رشد کلیسا را بررسی کنیم که در میان این خلاصه اظهارات نمود می‌یابد.

### رشد کلیسا

وقتی لوقا رشد کلیسا را توصیف می‌کند، مرتباً به دو جفت نیروی پویا اشاره می‌کند. از یک سو، او درباره رشد و تنش داخلی کلیسا می‌نویسد. و از سوی دیگر درباره رشد ظاهری و مخالفت با کلیسا از بیرون صحبت می‌کند. این الگو را بعداً در این درس نشان خواهیم داد، و اکنون فقط به طور ساده منظور اصلی‌مان را شرح می‌دهیم. منظور ما از اصطلاح «رشد درونی»، تاثیرات مثبت انجیل درون جامعه مسیحی است. شاید بگوییم این نوعی رشد کیفی است که بلوغ روحانی افراد و کلیسا به عنوان یک کل را پیش می‌برد. از اصطلاح «تنش»،

منظورمان مشکلات، سوالات، تقابلات و کشمکش‌هایی است که درون کلیسا رخ می‌داد. در کتاب اعمال، لوقا به طور مرتب نشان می‌دهد که رابطه‌ای متقابل میان رشد درونی و تنش وجود داشت. رشد درونی منجر به تنش می‌شد، و تنش به رشد درونی می‌انجامید.

جفت دوم از عناصر الگوی ساختاری لوقا از رشد کلیسا، عبارتند از رشد ظاهری و مخالفت. منظور از «رشد ظاهری»، رشد کلیسا از نظر ازدیاد تعداد اعضای جدید آن است. این شکل رشد کمی کلیسا بود. با استفاده از اصطلاح «مخالفت»، اشاره ما به این واقعیت است که ناسازگاری معمولاً در میان کلیسا شکل می‌گرفت و همچنین جهان غیرایماندار واکنشی منفی به انجیل نشان می‌داد. یک بار دیگر، رابطه متقابلی میان این دو ایده در اعمال وجود دارد. رشد ظاهری گاهی منجر به مخالفت می‌شد، و مخالفت نیز گاهی به رشد ظاهری می‌انجامید.

از این گذشته، لوقا اغلب نشان می‌دهد که رابطه متقابلی میان این دو جفت از عناصر وجود دارد، یعنی بین رشد درونی و تنش از یک سو، و رشد ظاهری و مخالفت از سوی دیگر. به گفته دیگر، لوقا مرتباً اشاره می‌کند که رشد درونی و تنش موجب رشد ظاهری و مخالفت می‌شوند، و رشد ظاهری و مخالفت نیز باعث ایجاد رشد درونی و تنش می‌گردد. بعداً در همین درس خواهیم دید که این الگوی رشد کلیسا آنقدر به دفعات در اعمال ظاهر می‌شود که نوعی چهارچوب ادراکی یا اسکلتی برای کتاب تشکیل می‌دهد.

خلاصه‌هایی که لوقا در سرتاسر کتاب خود ارائه می‌دهد، نشانگر آن است که هر قسمت اصلی کتاب اعمال شرحی از رشد انجیل و گسترش آن توسط شهادت کلیسای اولیه است. فقط تصورش را بکنید که تاثیر این توضیحات بر تئوفیلوس و سایر خوانندگان کتاب لوقا چه بوده است. آنها ایمانداران را در همه جا تشویق می‌کردند که صرف نظر از بزرگی تنش یا هولناکی مخالفت، خدا همواره از طریق انجیل مشغول به کار است تا کلیسای او از لحاظ درونی و ظاهری رشد کند. آنها مسیحیان اولیه را ترغیب به خواندن تمامی تاریخ از این دیدگاه می‌کردند. و به آنها اطمینان می‌بخشیدند که اگر شاهدان امین خداوند و نجات‌دهنده‌شان باقی بمانند، با وجود مشکلات داخلی و ظاهری، شاهد رشد انجیل در روزگار خودشان نیز خواهند بود.

## محتوا

با به‌خاطر سپردن بعضی از ابعاد اصلی فن بیان لوقا، اکنون به دومین عنوان درس، یعنی محتوای کتاب اعمال می‌پردازیم. هرچند راه‌های زیادی برای خلاصه کردن محتوای این کتاب وجود دارد، ما بر روشی متمرکز می‌شویم که لوقا توسعه کلیسا را به عنوان تحقق جزئی پادشاهی خدا بر زمین توصیف می‌کند. نوشته دو جلدی لوقا در انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان شرح می‌دهد که چگونه عیسی پادشاهی زمینی خدا را از طریق اعلام انجیل به ارمغان آورد و شروع به بنای آن کرد. لوقا در انجیل خود زیربنایی را توصیف

می‌کند که عیسی در طول خدماتش بر زمین برای این پادشاهی نهاد. و در کتاب اعمال او شرح می‌دهد که چگونه عیسی روح‌القدس را نازل فرمود تا به رسولان و به کلیسا قدرت ببخشد که کار بنای پادشاهی را ادامه دهند. به این طریق، پادشاهی خدا موضوع اصلی هر دو جلد نوشته لوقا را تشکیل می‌دهد. پس در حین بررسی محتوای اعمال، توجه خاصی به ادامه گسترش پادشاهی خدا تحت رهبری رسولان خواهیم داشت.

وقتی عیسی به رسولان در اعمال ۱: ۸ ماموریت داد، به آنها فرمود تا به عنوان شاهدان، انجیل را ابتدا در اورشلیم اعلام کنند و سپس آن را تا اقصای جهان منتشر کنند. یک بار دیگر به سخنانی که عیسی خطاب به رسولان در اعمال ۱: ۸ گفت گوش بدهید:

چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان. (اعمال ۱: ۸)

در اینجا عیسی راهکاری جغرافیایی برای شهادت انجیل توسط کلیسا ارائه می‌دهد. رسولان باید با قدرتی که از روح‌القدس می‌گرفتند، شهادت دادن را در اورشلیم شروع می‌کردند و سپس انجیل را به یهودیه و سامره، و سرانجام تا اقصای جهان می‌بردند تا هر جا می‌روند پادشاهی خدا را گسترش دهند.

متخصصین زیادی معتقدند لوقا کتاب اعمال را بر اساس فراخوان عیسی برای گسترش جغرافیایی شهادت انجیل تنظیم کرده است. ما نیز همین الگو را در مرور کتاب او در نظر خواهیم گرفت. اول نگاهی به روش توصیف لوقا از رشد انجیل در اورشلیم در اعمال ۱: ۱-۸: ۴ می‌اندازیم. دوم، به رشد پادشاهی در یهودیه و سامره در ۸: ۹-۵: ۳۱ می‌پردازیم. و سوم، بر روش رساندن انجیل به اقصای جهان توسط کلیسا در ۹: ۳۲-۲۸: ۳۱ متمرکز خواهیم شد. از آنجایی که قسمت سوم بررسی ما بسیار طولانی است، توجهی خاص به آن خواهیم کرد و چهار مرحله رشد را مورد توجه اصلی قرار می‌دهیم که لوقا در اظهارات خلاصه خود مطرح می‌کند، همان اظهارات خلاصه‌ای که قبلاً به آنها اشاره شد: اول در فینیقیه، قبرس و انطاکیه در ۹: ۳۲-۱۲: ۲۵؛ دوم، در قبرس، فریجیه و غلاطیه در ۱۳: ۱-۱۵: ۳۵؛ سوم، در آسیا، مکادونیه و اخائیه در ۱۵: ۳۶-۲۱: ۱۶؛ و چهارم، در طول راه تا روم در ۲۱: ۱۷-۲۸: ۳۱.

به هر یک از این قسمت‌ها با جزئیات بیشتری خواهیم پرداخت، و بر الگوهای رشد درونی و تنش و همچنین رشد ظاهری و مخالفت متمرکز می‌شویم که قبلاً درباره آنها توضیح دادیم. بیایید ابتدا به روش برقراری پادشاهی خدا در اورشلیم از طریق شهادت رسولان به انجیل در اعمال ۱: ۸-۴: ۱ بپردازیم.

## اورشلیم

اورشلیم پایتخت اسرائیل باستان، یعنی قوم خاص خدا در عهد عتیق بود. اورشلیم نقطه شروع روایت لوقاست چون نقشی مرکزی در پادشاهی خدا در سرتاسر عهد عتیق، و همچنین در خدمات عیسی داشت. از این گذشته، لوقا در قسمت‌های مختلف دیگر کتاب اعمال در مورد وقایع اورشلیم می‌نویسد، و مرتباً نشان می‌دهد که کار رسولان در انتشار انجیل به سرزمین‌های جدید همچنان ریشه در این شهر خاص داشت.

لوقا رشد پادشاهی خدا توسط انجیل در اورشلیم را در چهار دسته روایت اصلی گزارش می‌دهد که عبارتند از: اول، انتظار برای آمدن روح‌القدس و نزول روح در اعمال ۱-۲؛ دوم، موعظه پطرس در معبد و جفای بعد از آن در اعمال ۳-۴؛ سوم، داستان حنایا و صفیره و جفای بعد از آن در اعمال ۵؛ و چهارم، انتخاب شماسان و جفای بعد از آن در اعمال ۶: ۱-۸: ۴.

به عنوان نمونه، رشد درونی در رخدادهای معروف زیادی در اورشلیم به چشم می‌خورد، مثلاً:

ماموریت رسولان در اعمال ۱

نزول روح‌القدس در پنطیکاست در اعمال ۲

تجربه معجزات در اورشلیم، مخصوصاً توسط پطرس در اعمال ۳، ۴ و ۵

در عین حال می‌توانیم تنش‌های میان جامعه مسیحی را در قسمت‌های زیادی ببینیم، از جمله در:

این سوال که چه کسی دوازدهمین رسول خواهد بود، در اعمال ۱

دروغ حنایا و صفیره درباره مبلغی که به کلیسا هدیه دادند، در اعمال ۵؛ و

تبعیضی که نسبت به بیوه‌زنان یونانی زبان در اعمال ۶ اعمال می‌شد.

فراتر از اینها، روایت لوقا از شهادت انجیل در اورشلیم شامل الگوی رشد ظاهری و مخالفت نیز می‌شود.

به عنوان مثال:

در روز پنطیکاست حدود ۳۰۰۰ نفر به کلیسا افزوده شدند، در اعمال ۲

وقتی یوحنا و پطرس در اعمال ۴ به زندان افتادند، تعداد اعضای کلیسا به حدود ۵۰۰۰ نفر رسید، و

کاهنان یهودی زیادی در اعمال ۶ به کلیسا پیوستند.

با اینحال، همانطور که قبلاً مطرح کردیم، این رشد ظاهری اغلب با مخالفت شدید از جانب جهان

غیرایماندار همراه بود، مثلاً در:

دستگیری و کتک زدن پطرس و یوحنا در اعمال ۵

شهادت استیفان در اعمال ۷؛ و

پراکنده شدن کلیسا به خاطر آزار و شکنجه از اورشلیم در اعمال ۸

شاید انتظار می‌رفت که تنش داخلی و مخالفت علنی با کلیسای نوپای اورشلیم موجب دلسردی آن شود. اما با قدرت روح‌القدس، واقعیت دقیقا عکس آن بود. شهادت انجیل با قوت زیادی به پیشروی خود ادامه داد و نهایتاً مانعی در پیشرفت آن به وجود نیامد.

### یهودا و سامره

دومین بخش اصلی اعمال، بر شهادت انجیل توسط کلیسا در یهودیه و سامره در اعمال ۸: ۵-۹: ۳۱ متمرکز شده است. نواحی یهودیه و سامره تقریباً نواحی جنوبی و شمالی سرزمینی را تحت پوشش قرار می‌دهند که در عهد عتیق به اسرائیل وعده داده شده بود. عیسی پیش از صعودش، شخصا در این نواحی مشغول خدمت بود. تمرکز لوقا بر یهودیه و سامره را می‌توان به دو داستان اصلی تقسیم کرد، یعنی: خدمت فیلیپس در اعمال ۸: ۵-۴۰ و ایمان آوردن پولس در اعمال ۹: ۱-۳۱.

این داستان‌ها توجه خواننده را به رشد درونی کلیسا جلب می‌کنند. به عنوان مثال، رشد درونی با ادامه‌ی پر شدن ایمانداران جدید از روح‌القدس در اعمال ۸، و رسول شدن سولس پس از ایمان آوردنش به مسیح در اعمال ۹، تداوم می‌یابد.

اما تنش نیز همراه این وقایع در میان کلیسا رشد می‌کند. مثلاً، در اعمال ۸ به‌خاطر اینکه بعضی از ایمانداران هنوز روح‌القدس را دریافت نکرده بودند، سوالاتی ایجاد می‌شود. شمعون جادوگر می‌کوشد تا قدرت روح‌القدس را از رسولان در اعمال ۸ خریداری کند.

از سوی دیگر، الگوی رشد ظاهری و مخالفت نیز ادامه دارد. مثلاً، کلیسا به رشد کمی خود در یهودیه و سامره از طریق وقایعی مانند ایمان آوردن تعداد زیادی از طریق خدمات بشارتی فیلیپس در اعمال ۸، و همچنین ایمان آوردن پولس در اعمال ۹، ادامه می‌دهد.

با اینحال، این رشد بدون مخالفت از سوی بی‌ایمانان به وقوع نپیوست. به عنوان مثال، سولس پیش از ایمان آوردنش در اعمال ۹، مشغول آزار و شکنجه‌ی ایمانداران بود، و بعضی یهودیان نیز بعد از ایمان آوردن سولس در اعمال ۹، کوشیدند تا او را به قتل برسانند.

یک بار دیگر، تنش داخلی و مخالفت علنی سرانجام نتوانست مانع کلیسا شود. بلکه روح‌القدس از این چالش‌ها برای بلوغ بیشتر و رشد کمی کلیسا استفاده کرد.



### اقصای جهان

سومین بخش اصلی اعمال شرح می‌دهد که چگونه انجیل تا آن سوی مرزهای سرزمین وعده، تا اقصای جهان، یعنی جهان شناخته شده آن روزگار، گسترش یافت. همانطور که اشاره کردیم، با جزئیات بیشتری به این بخش می‌پردازیم، و ابتدا با پیشروی انجیل در فینیقیه، قبرس و انطاکیه در ۹: ۳۲-۱۲: ۲۵ شروع می‌کنیم.

### فینیقیه، قبرس و انطاکیه

این بخش مربوط به اولین انتشار قابل توجه انجیل در آن سوی مرزهای یهودیه و سامره، تا سرزمین‌های غیریهودی همسایه یعنی فینیقیه، قبرس و انطاکیه سوریه است. در این بخش از اعمال، درباره خدمات پطرس در لده و یافا در اعمال ۹: ۳۲-۴۳، خدمات پطرس در قیصریه به کرنلیوس غیریهودی در ۱۰: ۱-۱۱: ۱۸، انتشار انجیل تا انطاکیه سوریه در ۱۱: ۱۹-۳۰، و آزادی معجزه‌آسای پطرس از زندان اورشلیم در ۱۲: ۱-۲۵ می‌خوانیم. تعجب‌آور نیست که الگوی رشد درونی و تنش در اینجا نیز ادامه می‌یابد. لوقا چندین نمونه از رشد درونی را به ثبت رسانده است. مثلاً، غیریهودسانی که در اعمال ۱۰ وارد کلیسا می‌شوند و تشویق کلیسا به واسطه آزادی معجزه‌آسای پطرس از زندان در اعمال ۱۲.

و البته، تنش‌هایی نیز در این رابطه وجود داشت. مثلاً، بسیاری از یهودیان از پذیرفتن غیریهودیان در مشارکت کامل کلیسا در اعمال ۱۱ ابا داشتند، همچنین در همین باب بسیاری از آنها حاضر نبودند در مورد پرهیزهای غذایی عهد عتیق از خود نرمی نشان دهند.

در این بخش، لوقا بر الگوی رشد ظاهری و مخالفت نیز تاکید دارد. مثلاً در مورد رشد ظاهری از طریق ایمان آوردن کرنلیوس و بسیاری از غیریهودیان دیگر در اعمال ۱۰، و همچنین در اعمال ۱۱ از خدمات بشارتی موفق برنابا و سایرین در انطاکیه می‌نویسد.

اما این رشد بدون مخالفت صورت نگرفت. جفایی که رخ داد شامل مرگ یعقوب در اعمال ۱۲ و زندانی شدن پطرس در اعمال ۱۲ بود.

وجود تنش و مخالفت، در نهایت مانعی در برابر شهادت انجیل نبود. روح‌القدس به برکت دادن بشارت و شاگردسازی کلیسا ادامه می‌داد. او بر دسته‌بندی‌های نژادی و آزار غلبه یافت، و حتی پطرس را به شکلی معجزه-آسا از زندان آزاد کرد. انجیل با وجود موانع زیادی که بر سر راهش قرار می‌گرفت، همچنان پیش می‌رفت.

### قبرس، فریجیه و غلاطیه

در اعمال ۱۳: ۱-۱۵: ۳۵، لوقا به چهارمین بخش اصلی کتاب خود یعنی انتشار انجیل در قبرس، فریجیه و غلاطیه می‌پردازد. در این بخش، خبر انجیل از اورشلیم، یهودیه و سامره، تا نواحی شرقی آسیای صغیر برده می-

شود. این بخش از اعمال به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود: اولین سفر بشارتی پولس در اعمال ۱۳: ۱-۱۴: ۲۸، و شورای اورشلیم در اعمال ۱۵: ۱-۳۵.

لوقا با حفظ روش کار خود، بر الگوی رشد داخلی و تنش در این بخش نیز اشاره دارد. او به رشد داخلی از طریق روش‌های مختلف اشاره می‌کند از قبیل استحکام بخشیدن کلیساهای غلاطیه توسط پولس در اعمال ۱۴، و تصمیم شورای اورشلیم مبنی بر عدم لزوم ختنه نوایمانان غیریهودی به مسیح در اعمال ۱۵. او همچنین به تنش داخلی در این بخش اشاره می‌کند، مخصوصاً هنگامی که دربارهٔ مسائل عملی مربوط به نوایمانان غیریهودی می‌نویسد. تنش در میان یهودیان و غیریهودیان ایماندار بر سر مسائلی مانند ختنه و پرهیز غذایی سنتی یهود در اعمال ۱۵ به وجود آمد.

در رابطه با رشد ظاهری و مخالفت، لوقا به موضوعات زیادی اشاره می‌کند، مانند رشد کمی حاصل از سفر اول بشارتی پولس، که در اعمال ۱۴ به ثبت رسیده است. اما همچون گذشته، این رشد همراه با مخالفتی شدید بود. به عنوان مثال، عدم پذیرش پولس و برنابا به طور مکرر توسط غیرایمانداران یهودی، مخصوصاً در لستره، ایقونیه و انطاکیه در اعمال ۱۴. با این وجود، روح‌القدس کلیسا را به جلو حرکت می‌داد و بر هر مانعی که سر راه قومش ایجاد می‌شد، غلبه می‌کرد. انجیل توقف‌ناپذیر، به انجام مقاصد و نقشه‌های خدا ادامه می‌داد.

### آسیا، مکادونیه و اخائیه

پنجمین بخش اصلی اعمال از ۱۵: ۳۶ تا ۲۱: ۱۶ ادامه دارد و در آن شهادت انجیل به استان‌های رومی آسیا، مکادونیه و اخائیه می‌رسد. این بخش از اعمال بر سفرهای دوم و سوم بشارتی پولس تمرکز دارد که طی آنها پولس مانند گذشته از میان آسیای صغیر شرقی و دریای اژه عبور کرد و شهرهای زیادی را در مکادونیه و اخائیه در یونان امروزی مورد بازدید قرار داد.

دومین سفر بشارتی پولس در اعمال ۱۵: ۳۶-۱۸: ۲۲، و سومین سفر بشارتی او در ۱۸: ۲۳-۲۱: ۱۶ به ثبت رسیده است. در الگویی که دیگر بسیار آشنا می‌آید، این باب‌ها بر رابطهٔ میان رشد داخلی و تنش تاکید دارند. نمونه‌های زیادی از رشد درونی در اینجا وجود دارد، مثلاً تعلیم آپولوس توسط آکیلا و پریسکیلا در اعمال ۱۸ و تعلیم مبسوط پولس در کنیسه‌های افسس و سالن سخنرانی تیرانوس در اعمال ۱۹.

و البته تنش زیادی به همراه این رشد درونی وجود داشت. به عنوان مثال، پولس و برنابا بر سر مرقس با هم جر و بحث کردند و در اعمال ۱۵ از همدیگر جدا شدند، همچنین پولس در اعمال ۲۰ به کلیسا علیه رهبرانی که نیت‌های پلید دارند، هشدار داد.

همچنین در مورد رشد ظاهری و مخالفت می‌خوانیم. مثلاً رشد ظاهری را در شمار زیاد نوایمانانی که پولس به آنها بشارت داده بود و همچنین در کلیساهایی می‌بینیم که او در طول سفرهای دوم و سوم بشارتی خود

در اعمال ۱۵-۲۱ پایه‌گذاری کرد. اما مخالفت را هم می‌بینیم، مثلاً در اعمال ۱۷ و ۲۰، توسط جمعیت خشمگینی که سعی در کشتن پولس داشتند، و غیوران یهودی که شهر به شهر در تعقیب وی بودند. یک بار دیگر، لوقا نشان می‌دهد که انجیل به طور موثر در سرتاسر جهان منتشر می‌شد. تنش‌های داخلی و مخالفت‌های علنی مشکلاتی دائمی بودند، اما نمی‌توانستند پیشرفت شهادت انجیل را متوقف کنند که از روح‌القدس قدرت می‌گرفت.

## ۳۰

سرانجام، آخرین بخش اصلی روایت لوقا در اعمال ۲۱: ۱۷-۲۸: ۳۱، بر شهادت انجیل در روم متمرکز است. این بخش بر سفر پولس از اورشلیم، و سپس واپسین دستگیری او، زندانی شدنش و اعزام وی به روم متمرکز دارد. مطالب این بخش را می‌توان به چهار بخش بزرگ تقسیم کرد: آخرین شهادت پولس در اورشلیم در اعمال ۲۱: ۲۳-۱۷: ۱۱، زندانی شدن پولس در ۲۳: ۱۲-۲۶: ۳۲، سفر دشوار او به روم در ۲۷: ۱-۲۸: ۱۴، و بالاخره شهادت دادنش در روم در ۲۸: ۱۵-۳۱.

طبق انتظار ما، این باب‌ها نیز شامل الگوی آشنای رشد درونی و تنش هستند. شواهد زیادی از رشد درونی در این قسمت وجود دارد، مثل شادی ایمانداران یهودی در اورشلیم از شنیدن این خبر که بسیاری از غیریهودیان به مسیح ایمان آورده‌اند در اعمال ۲۱، و اشتیاق پولس و سایرین برای رنج کشیدن و حتی مردن در راه انتشار انجیل در اعمال ۲۲.

اما همچنین می‌بینیم که این رشد درونی با تنش همراه است، مثلاً شایعه‌ی تعالیم پولس به ایمانداران یهودی برای کنار گذاشتن سنت‌های‌شان، و تنش ناشی از حضور او در کلیسای اورشلیم در اعمال ۲۱.

همچنین می‌توانیم الگوی رشد ظاهری و مخالفت را نیز پیدا کنیم. لوقا گزارش می‌دهد که کلیسا در طی این دوره رشد ظاهری چشمگیری داشته است. مثلاً پولس توانست انجیل را به بسیاری از مقامات عالی‌رتبه در اعمال ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸ ارائه کند و در اعمال ۲۸، بدون وجود مانعی در روم به موعظه بپردازد. اما لوقا به این نکته نیز اشاره می‌کند که مخالفت شدیدی همراه این رشد وجود داشت، که شامل دستگیری پولس و چهار سال زندانی شدنش توسط دولت روم در اعمال ۲۴، و همچنین زندانی بودن وی در روم در اعمال ۲۸ می‌شود.

هر یک از بخش‌های اصلی اعمال ثابت می‌کند که شاهدان امین انجیل ناموفق نبودند. روح‌القدس به کلیسا قدرت بخشید تا انجیل را از اورشلیم تا پایتخت امپراتوری روم ببرد. با وجود مشکلات درونی و ظاهری که کلیسا متحمل بود، انجیل با گذشتن از موانع موجب بلوغ روحانی و گسترش کمی کلیسایی شد که پادشاهی خدا را تا اقصای جهان منتشر می‌کرد.

## کاربرد امروزی

اکنون پس از بررسی فن بیان و محتوای اعمال، بیایید به سومین عنوان مان یعنی قدم‌هایی به سوی کاربرد امروزی بپردازیم. بعضی از مسائل اصلی که در هنگام به‌کارگیری حقایق اعمال در زندگی امروز ما وجود دارند، کدامند؟ برای بررسی این موضوع، ابتدا سبک ادبی اعمال و بعضی از خصوصیت‌های اصلی آن را مورد توجه قرار می‌دهیم. دوم، دربارهٔ بعضی ناپیوستگی‌های میان قرن اول و زمان حاضر صحبت خواهیم کرد که بر کاربرد امروزی ما از کتاب لوقا تاثیرگذار است. و سوم، بر بعضی از پیوستگی‌های مهم میان قرن اول و زمان حاضر تاکید خواهیم کرد که به ما در یافتن ارتباط میان معنی اصلی اعمال با زندگی کنونی مان کمک خواهد کرد. بیایید ابتدا نگاهی به سبک ادبی اعمال بیندازیم.

### سبک ادبی

سبک‌های مختلف ادبی، افکار و نقطه نظرهایشان را به روش‌های متفاوتی ارائه می‌دهند. مثلاً، در کتاب مقدس با ژانرها یا انواع ادبی بسیاری روبرو می‌شویم. مثل روایت‌های تاریخی، شعر، خطابه، مثل، ضرب‌المثل، شریعت و غیره. و هر یک از این سبک‌های ادبی به روش‌های مختلفی با خواننده ارتباط برقرار می‌کنند. اگر بخواهیم با روشی مسئولانه کتاب اعمال را درک کنیم، باید سبک ادبی آن را در نظر بگیریم و بدانیم این سبک ادبی چگونه منظور خود را با خواننده در میان می‌گذارد.

از دیدگاه ادبی می‌توانیم مطالب زیادی دربارهٔ اعمال بگوییم، اما به‌خاطر محدودیت زمانی به سه نکتهٔ برجسته‌تر از خصوصیات آن اشاره خواهیم کرد. اول اینکه گزارش لوقا گزینشی بوده است. دوم، او اعمال را به روشی دنباله‌وار تدوین کرده است. و سوم، او بسیاری از تعالیم خود را به روش‌های ضمنی در میان می‌گذارد. بیایید ابتدا نگاهی به ماهیت گزینشی مطالب اعمال بیندازیم.

### سبک گزینشی

هر مورخی ناچار به گزینش است. آنقدر تعداد واقعیت‌ها، مردم و وقایع در جهان زیادند که هیچ انسانی نمی‌تواند گزارش جامعی از آنها تهیه کند. وقایع اعمال از زمان صعود عیسی تا زندانی شدن پولس در روم را که دوره‌ای حدود سه تا چهار دهه بوده است، در بر می‌گیرد. در این دورهٔ زمانی وقایع مهم بی‌شماری در کلیسا رخ دادند. اما لوقا فقط ۲۸ فصل نسبتاً کوتاه را به نگارش درآورد. پس می‌دانیم که او تنها بخش بسیار کوچکی از آنچه را که قابل عرضه بود، ارائه کرده است. اما او چگونه تصمیم گرفت که کدام وقایع را پوشش دهد؟ چگونه تصمیم به حذف بعضی وقایع گرفت؟ روح‌القدس لوقا را هدایت می‌کرد تا قسمت‌هایی از تاریخ را برگزیند که برای درک

کار عیسی توسط رسولان اهمیت حیاتی داشت، و خوانندگانش را متقاعد می‌کرد تا بعضی تعالیم اصلی رسولان را بپذیرند.

پس در تلاش‌مان برای یافتن راه‌های کاربرد کتاب اعمال در جهان امروزی، باید دو کار انجام دهیم. از یک سو باید از این تفکر اشتباه دوری کنیم که لوقا همه چیزهایی که می‌خواهیم از این دوره تاریخی کلیسا بدانیم را گزارش داده است. او سوالات زیادی را بی‌جواب می‌گذارد، پس نباید در کتاب اعمال به دنبال پاسخ همه مشکلات امروزی‌مان باشیم.

از سوی دیگر، باید به خاطر بسپاریم که هر یک از روایت‌های کتاب اعمال به منظور رسیدن لوقا به هدف دوجانبه‌اش نوشته شده است. پس باید در نظر داشته باشیم که همه مطالب کتاب به منظور رسیدن لوقا به این هدف ارائه شده‌اند. باید دائماً این نوع سوالات را از خودمان بپرسیم: این موضوع درباره کلیسای اولیه چه چیز به من می‌آموزد؟ و مرا تشویق به پذیرش چه آموزه‌ای می‌کند؟

### سبک دنباله‌دار

ادبیات اعمال به غیر از گزینشی بودن، دنباله‌دار است. بدین معنا که اعمال مجموعه‌ای دنباله‌دار از داستان‌ها و روایت‌های کوچکتر است. وقتی اعمال را می‌خوانیم، توجه به این موضوع اهمیت دارد که هر یک از روایت‌های مجزای آن بخشی از زمینه‌چینی و پیغام کلی لوقاست. هر کدام از آنها به نوعی در تعلیم کلی او به تثویفیلوس درباره انجیل پادشاهی خدا در مسیح سهیم است. پس این تصویر بزرگ را باید به عنوان پس‌زمینه و محتوای هر داستانی که در اعمال می‌خوانیم در نظر داشته باشیم.

اما هر قسمت مجزا نیز هست. هر روایت نکات کوچک‌تر و جزئیات تعلیمی خود را در مورد راهی که کلیسا در ادامه بنای پادشاهی خدا در مسیح از طریق انجیل باید بپیماید، دارد. بدین معنا که در هنگام خواندن اعمال نباید فقط با در نظر داشتن هدف کلی لوقا، نکات دیگری که مورد توجه اوست را نادیده بگیریم. باید هم به کلیات و هم به جزئیات توجه کنیم، بدانیم که چگونه هر روایت به هدف بزرگتر کمک می‌کند، و در عین حال هر روایت جزئیات آن هدف را تشریح می‌کند.

چهارچوب روایتی اعمال علاوه بر گزینشی و دنباله‌دار بودن، شامل اشارات ضمنی نیز هست به طوری که سبک آن بیانگر قسمت زیادی از تعالیمش است.

### اشارات ضمنی

به طور کلی، در عهد جدید از دو شیوه ادبی اصلی استفاده شده است: گفتمان روایی و گفتمان استدلالی. گفتمان استدلالی نوعی بیان ادبی حاوی شکلی از گفتگو است، مثل وقتی که شخصیتی در کتاب چیزی می‌گوید یا وقتی نویسنده به طور مستقیم با خوانندگانش صحبت می‌کند. به عنوان مثال، رسالات عهد جدید در درجه اول

شامل گفتمان استدلالی هستند که در آن یک نویسنده مثل پولس به طور مستقیم خطاب به خوانندگان نامه‌اش صحبت می‌کند. البته بعضی از رسالات شامل قطعات روایی هستند و حتی گاهی سرود یا ضرب‌المثلی در آنها گنجانده شده است. اما قسمت اعظم آنها از گفتمان استدلالی تشکیل می‌شود. و نکته اصلی که باید اینجا در مورد گفتمان استدلالی بگوییم این است که قسمت اعظم تعالیم آن به صورت مستقیم و صریح ارائه می‌شود. وقتی پولس در نامه‌ای خطاب به خوانندگان می‌نویسد موضوعی در ذهن داشته باشند یا کاری بکنند، مستقیماً منظورش را به آنها می‌رساند.

از سوی دیگر، گفتمان روایی شیوه غالب ادبی در چهار انجیل، و از آن مهم‌تر در کتاب اعمال و این درس است. گفتمان روایی، ادبیاتی است که داستانی تعریف می‌کند و تعلیمی را به طور غیرمستقیم ارائه می‌دهد. مطمئناً در این کتاب‌ها نیز گفتمان استدلالی، بیش از همه در سخنرانی‌های اشخاص معین به کار رفته است، اما ادبیات غالب انجیل‌ها و اعمال، روایی است. برخلاف گفتمان استدلالی که گرایش به تعلیم صریح مطالب دارد، گرایش گفتمان روایی ارائه تعلیمات به صورت ضمنی است، و به خواننده اجازه می‌دهد تا درس‌های مورد نظر را شخصاً برداشت کند. تاثیرگذاری روایت‌ها بر خوانندگان، نه به‌خاطر ارائه دستورالعمل‌های مستقیم، بلکه به دلیل شیوه‌های نافذشان است. آنها طوری طراحی شده‌اند تا خوانندگان درس‌های لازم را از طرز برخورد، عملکردها و سخنان شخصیت‌ها برداشت کنند، و به این ترتیب پذیرای آنها می‌باشند که از نظر خدا پسندیده است، و رفتار و گفتار مخالف با اراده خدا را از خود دور کنند.

اینطور در نظر بگیرید که اغلب روایت‌ها مانند کتاب اعمال صرفاً برای بیان واقعیت‌ها تعریف می‌شوند. این اتفاق و بعد آن اتفاق و بعد هم اتفاقی دیگر افتاد. ظاهراً به نظر می‌رسد که گزارشی ساده از وقایع مختلف هستند. همانطور که دیدیم، لوقا گاهی توضیح صریحی در مورد عناصر مهم داستان‌هایش می‌دهد. اما در اکثر موارد، او اتفاقات و واقعیت‌ها را بدون شرح یا با شرحی کوتاه تعریف می‌کند. با این وجود، حقیقت این است که روایت‌های او فقط برای گزارش وقایع تعریف نشده‌اند. او انگیزه‌های تعلیمی نیز داشته است و با استفاده از روایت‌هایش آنها را به طور ضمنی منتقل می‌کند.

بگذارید این موضوع را با داستانی از زندگی خودم بیشتر توضیح بدهم. وقتی دخترم خیلی کوچک بود، به او گفته بودیم قبل از شام، شکلات نخورد. ولی یک شب او با لب‌هایی شکلاتی سر میز شام آمد. از او پرسیدم شکلات خورده و او با چشمانی گرد شده انکار کرد و گفت: «بابا، من اصلاً شکلات نخوردم.»

من به عنوان یک پدر دو راه برای مقابله داشتم. می‌توانستم مستقیماً اعتراض کنم و از طریق گفتمانی استدلالی با صراحت برخورد کنم. می‌توانستم بگویم: «تو راست نمی‌گی. می‌تونم شکلات تو روی صورتت ببینم!» اما گزینه دیگر می‌توانست روایی باشد تا منظورم را به شکلی غیرمستقیم و ضمنی‌تر بگویم. می‌توانستم دخترکم را روی پایم بنشانم و به او بگویم: «می‌خوام یه داستان برات تعریف کنم. دختر کوچولویی بود که بهش گفته بودن

نباید با لباس مهمونیش بازی کنه. ولی اون اینکارو کرد و لباسشو حسابی کثیف کرد. درباره کار اون دختر چی فکر می‌کنی؟»

فن بیان روایی به همین شکل در درجه اول در سطوح غیرمستقیم و ضمنی عمل می‌کند. کودک را دعوت به تعمق می‌کند: «نااطاعتی اون دختر کوچیک کار بدی نبود؟» زیبایی و قدرت روایت این است که به طور غیرمستقیم اینگونه افکار را در ذهن شنونده ایجاد می‌کند. اگر روایت به اندازه کافی نافذ باشد، شنونده خود را در داستان می‌بیند. شخصا چنان درگیر می‌شود که حالت تدافعی به خود نمی‌گیرد. به شنونده اجازه می‌دهد تا قابلیت تعلیم‌پذیری بیشتری پیدا کند.

حدود هفتاد درصد از کتاب اعمال به صورت روایی ارائه شده است. در اغلب قسمت‌های کتاب، لوقا عمدتاً به خوانندگانش می‌گوید: «بگذارید داستانی از کار خدا در کلیسای اولیه برای‌تان تعریف کنم.» البته داستانی که برای‌شان تعریف می‌کند، حقیقت محض است. او آنها را دعوت می‌کند تا وارد دنیای تاریخ واقعی شوند. اما این تاریخ را به شکل داستان تعریف می‌کند چون می‌خواهد خوانندگانش از واقعیت‌هایی که به ثبت رسانده، نتیجه‌گیری‌های لازم را بکنند. به این ترتیب، با خواندن کتاب اعمال، مهم است که به دنبال این تعالیم ضمنی باشیم. البته یکی از روش‌های اصلی ارزیابی و به کارگیری هر روایت کتاب مقدسی در زندگی‌مان، این است که ببینیم خدا چه واکنشی به اعمال انجام‌شده نشان داده است. فراتر از هر چیز دیگر، سخنان و اعمال او کاملاً مصون از خطاست. در نتیجه باید همواره به آنچه خدا در کتاب اعمال تایید می‌کند و برکت می‌دهد، و همچنین به آنچه او ناپسند می‌شمارد و ملعون می‌شمارد، توجه نشان دهیم. هرچه را که خدا مبارک می‌شمارد باید نیکو باشد، و هرچه ناپسند می‌داند یا ملعون می‌شمارد باید بد و شرارت‌آمیز باشد. در حین خواندن کتاب اعمال، باید به دنبال تقلید از باورها، طرز برخوردها و رفتاری باشیم که از نظر خدا پسندیده است، و همچنین باید از آنچه با او مخالفت دارد، پرهیز کنیم.

علاوه بر این، از آنجایی که لوقا به شدت بر مرام و شخصیت رهبران کلیسای اولیه متکی بود، روش مطمئن دیگری که می‌توانیم تعالیم ضمنی لوقا را دریابیم، از مشاهده دقیق نمونه‌هایی است که لوقا از آنها ارائه می‌دهد. وقتی افراد قابل اعتمادی مانند رسولان، انبیا و سایر رهبران مورد احترام کلیسا کاری می‌کردند یا چیزی می‌گفتند، معمولاً می‌توانیم اینگونه برداشت کنیم که از ما خواسته شده تا با آنها موافقت و همراهی کنیم. اعمال آنها درست و به‌جا بوده و شهادت‌شان صحت دارد. در نتیجه واکنش ما باید پاسخی قلبی به این فراخوان باشد و رفتار و افکار آنان را الگوی زندگی خود قرار دهیم.

عکس این موضوع هم صحت دارد. وقتی رسولان یا کلیسا در کتاب اعمال شخصیت‌هایی را محکوم و مطرود می‌شمارند، می‌توانیم برداشت کنیم که اعمال آنها شرارت‌بار بوده است و نباید از آنها پیروی کنیم. البته

اینها به هیچوجه تنها شکل اشارات ضمنی و غیرمستقیم لوقا در اعمال نیست. اما نسبتا جای پای محکمی به خوانندگان امروزی می‌دهند تا آموختن تفسیر صحیح از روایت‌های کتاب مقدسی را شروع کنند.

با درکی که از سبک ادبی اعمال یافتیم، اکنون به بررسی ناپیوستگی‌های میان قرن اول و جهان امروز می‌پردازیم که بر طرز به کارگیری کتاب اعمال در زندگی ما تاثیرگذار است.

### ناپیوستگی‌ها

همیشه باید به خاطر داشته باشیم که هرچند کتاب مقدس برای ما نوشته شده، اما مستقیما خطاب به ما نوشته نشده است. به وضوح می‌دانیم که گیرندگان اصلی کتاب اعمال، تئوفیلوس و افرادی در قرن اول میلادی بوده‌اند. پس از بعضی جهات، ما بعد از این مخاطبین مخاطب کتاب لوقا هستیم. آنچه می‌شنویم سخنان لوقا به خودمان نیست بلکه سخنانش خطاب به آنها را گوش می‌دهیم. پس باید دست کم انتظار داشته باشیم که بعضی از تعالیم اعمال به طرز متفاوتی در مقایسه با تئوفیلوس و سایر خوانندگان اصلی لوقا، در زندگی ما کاربرد پیدا کند. اگر به سادگی آنچه در کتاب مقدس می‌بینیم را بدون در نظر داشتن تفاوت‌های موجود تکرار کنیم، کلام خدا را مکررا به روشی مضر به کار می‌بندیم.

ناپیوستگی‌های میان جهان لوقا و جهان خودمان را به دو روش خلاصه می‌کنیم. اول، ما در زمانی متفاوت با آنها زندگی می‌کنیم. دوم، از قرن اول تا به حال جهان تغییر زیادی کرده است، پس شرایط و وضعیت ما با کسانی که مخاطبین اولیه لوقا در این کتاب بودند، تفاوت دارد. ابتدا به این واقعیت می‌پردازیم که ما در زمانی متفاوت با اولین خوانندگان کتاب اعمال زندگی می‌کنیم.

### زمان متفاوت

به عنوان مثال، لحاظ کردن این موضوع که کتاب اعمال بر رسولان، شاهدان مقتدر مسیح در قرن اول میلادی متمرکز است، اهمیت زیادی دارد. بسیاری از اعمال خدا از طریق رسولان در تاریخ رستگاری به همان زمان و مکان اختصاص داشته؛ آنها اعمالی پیشگامانه و دستاوردهای بنیادینی بودند که هرگز تکرار نمی‌شوند. به عنوان مثال، وجود رسولان منحصر به فرد بود. همانطور که در یکی از درس‌های بعد خواهیم دید، رسول دیگری هرگز نمی‌تواند وجود داشته باشد. یکی از دلایل این است که مردی واجد شرایط مقام رسالت بود که خداوند قیام کرده را به چشم دیده باشد. دلیل دیگر آنکه آن مرد را خود خدا باید مستقیما به این مقام منصوب می‌کرد. پس هرچند معقول است که بگوییم اعمال به ما تعلیم می‌دهد تا به رهبران کلیسای خود احترام بگذاریم و مطیع آنها باشیم، ولی ما امروز رسولان را در میانمان نداریم. بهترین کاری که می‌توانیم بکنیم اطاعت از شهادت مکتوب آنها در عهد جدید است.



متاسفانه گروه‌های مسیحی زیادی به کتاب اعمال به عنوان نمونه زندگی مسیحی می‌نگرند که باید دقیقاً در همه اعصار از آن پیروی کرد. مثلاً، اعمال ۲: ۱-۴ تعلیم می‌دهد که روح‌القدس به شکلی چشم‌گیر و معجزه‌آسا در روز پنتیکاست نازل شد و کسانی که او را دریافت کردند شروع به اعلام انجیل به زبان‌ها و لهجه‌های مختلف کردند. این واقعه‌ای خاص بود و در نزول اولیه روح اتفاق افتاد تا به رسولان و سایر ایمانداران اولیه برای خدمت به مسیح قدرت ببخشد. گاهی اتفاقات مشابهی در اعمال می‌افتاد، اما فقط در نتیجه کار مستقیم رسولان. آنچه در اعمال ادامه می‌یابد این واقعیت است که هر ایمانداری روح‌القدس را دریافت می‌کند تا شخصیتش دگرگون، و شاهدی برای مسیح شود. آنچه در اعمال ادامه نمی‌یابد، حضور یا غیاب تجلیات خاص روح‌القدس است. با این وجود بعضی از شاخه‌های کلیسا اصرار می‌ورزند که حتی امروز نیز پری جداگانه از روح‌القدس باید همراه با مظاهر اعلام انجیل به زبان‌ها و گویش‌های مختلف باشد. وقتی مسیحیان خوش‌نیت در به حساب آوردن ناپیوستگی‌های میان قرن اول و زمان حاضر قصور می‌کنند، اغلب می‌کوشند تا تعالیم اعمال را به روش‌های نادرست به کار ببندند.

### شرایط متفاوت

جدا از زندگی در زمانی متفاوت از مخاطبین اصلی اعمال، شرایط ما نیز متفاوت است، مثلاً فرهنگ‌ها و موقعیت‌های شخصی‌مان فرق دارد. همه وقایع اعمال در شرایط تاریخی قرن اول اتفاق افتاد و بسیاری از جنبه‌های روایات لوقا وابسته به این شرایط تاریخی و فرهنگی هستند.

متاسفانه بسیاری از گروه‌های مسیحی در تلاش برای وفادار ماندن به تعالیم اعمال، در طول اعصار سعی داشته‌اند که به عملکردهای فرهنگی قرن اول کلیسا بازگردند. مثلاً در اعمال ۵: ۴۲ می‌خوانیم که کلیسا در منازل شخصی تشکیل جلسه می‌داد. بعضی مسیحیان بر این اساس اصرار دارند که امروز نیز کلیسا باید در خانه‌ها تشکیل شود، نه در ساختمان‌های کلیسا. و در اعمال ۶: ۱ می‌بینیم که کلیسای اورشلیم خوراک بیوه‌زنان را تامین می‌کرد. در نتیجه، بعضی از مسیحیان امروزی اصرار دارند که هر کلیسا باید به عنوان بخشی از خدماتش برای بیوه‌زنان غذا تهیه کند. البته به طور ذاتی اشتباه نیست که کلیسا امروز در خانه‌ها جمع شود یا برای بیوه‌زنان غذا تهیه کند. ولی باید توجه داشته باشیم که این عملکردها وابسته به شرایط کلیسای قرن اول بوده است. مثلاً آزار و شکنجه به جمع شدن آنها در خانه‌ها ضرورت می‌بخشید. اما در قسمت‌هایی از جهان که آزار و شکنجه‌ای وجود ندارد یا اگر هم باشد مقدار آن ناچیز است، لزومی به تشکیل جلسات کلیسا در خانه‌ها نیست. تا جایی که شرایط ما به آنها شباهت دارد، این طرز کاربرد اصول کتاب مقدسی می‌تواند درست و معقول باشد. اما در وضعیتی که شرایط ما تفاوت دارد، می‌توانیم همین اصول کتاب مقدس را به روش‌های دیگری به کار ببندیم.

در واقع، حتی ما اغلب از یک اصل مشخص در اعمال، کاربردهای متفاوتی پیدا می‌کنیم. مثلاً در اعمال ۴۴-۴۵: لوقا شرح داده می‌شود که اعضای کلیسای اورشلیم هرچه داشتند با هم به شراکت می‌گذاشتند. اما در همان کتاب اعمال می‌بینیم که کلیساهای زیادی که توسط پولس رسول تاسیس شده بود در خانه شهروندان ثروتمند یا رهبران شهر تشکیل می‌شد و هیچ اشاره‌ای به زندگی اشتراکی، و یا انتقادی از هیچ‌کدام از این دو روش وجود ندارد. کلیسا از همان ابتدا تشخیص داد که هر اصل کتاب مقدسی باید به روش‌های مناسب و با شرایط موجود به کار بسته شود. هرگز نباید صرفاً به تقلید به عنوان جایگزینی برای کاربرد مسئولانه دل خوش کنیم. پس از بررسی سبک ادبی اعمال، و توضیح مبسوط ناپیوستگی‌های میان روزگار لوقا و زمان حال، باید به بعضی پیوستگی‌های مهم میان قرن اول و جهان امروز اشاره کنیم.

### پیوستگی

می‌توان پیوستگی میان مسیحیان در هر دو دوره زمانی را با بیان اینکه ما یک خدای تثلیث داریم که در شخصیت پدر، پسر و روح القدس وجود دارد؛ هدف مشترک بنای پادشاهی خدا در مسیح؛ و انجیل مشترک، پیام یکسان نجات و رهایی که مستلزم واکنش ما در ایمان است، توبه و اطاعت خلاصه کرد. بیایید اول نگاهی به این واقعیت بیندازیم که ما همان خدایی را می‌پرستیم که مسیحیان قرن اول می‌پرستیدند.

### همان خدا

گزارش لوقا از تاریخ نجات به ما یادآور می‌شود که ما به همان خداوند عیسیای مسیح خدمت می‌کنیم و شهادت می‌دهیم که رسولان و کلیسای اولیه خدمت می‌کردند. هر فرد مسیحی توسط همان روح القدس قدرت می‌یابد که در قرن اول حاضر بود. و همه کارهای ما برای جلال و تکریم همان پدر آسمانی است. خدای تثلیث عوض نشده است.

خدا به روش‌های پرشکوهی به واسطه انجیل در قرن اول کار می‌کرد، و امروز همچنان به این کار ادامه می‌دهد. اگر به نظر، خدا از زندگی شخصی‌تان یا از زندگی کلیسا یا فرقه شما خیلی دور است، پس امور آنطور که باید باشد نیست. اگر ما خدا را در کار نجات بخشیدن گمشدگان و بنای کلیسایش نمی‌بینیم، پس حتماً باید با توبه و ایمان به سوی او بازگردیم، و از او بخواهیم تا کار فیض بخش تاریخ نجات خود را در زندگی و کلیساهای ما ادامه دهد.

مسیحیان، امروز علاوه بر برخورداری از همان خدا، همان هدفی را دارند که کلیسا در کتاب اعمال داشت.

### همان هدف

هدف خدا در کتاب اعمال، بنای پادشاهی خود در مسیح به واسطه رسولان بود. آنها با تغذیه کلیسا و افزودن بر اندازه آن به وسیله اعلام انجیل، برای رسیدن به این هدف مشغول کار بودند. اما این را نیز می‌دانستند که برای گسترش پادشاهی خدا و پر ساختن تمام جهان بدان، نیاز به بیشتر از دوازده نفر و همچنین سال‌های بیشتری است؛ به همین جهت کلیسا را آماده کردند تا در کنارشان مشغول کار شوند و پس از مرگ آنها به کار ادامه دهند. شاید بتوان گفت که درست همانطور که عیسی رسولان را گماشت تا بنای پادشاهی او را به عهده بگیرند، رسولان نیز این وظیفه را بر عهده کلیسا گذاشتند.

البته، این وظیفه بنای پادشاهی تا هنگام بازگشت مسیح در جلال تمام نخواهد شد. پس، هدف کلیسای امروز همچنان همکاری و خدمت به خدا در حین بنای پادشاهی او در مسیح، و آوردن تمام جهان و تمام هستی در زیر خداوندی اوست. یکی از اولین روش‌های ما برای انجام این کار مهم، تکیه بر تعالیم رسولان درباره نجات، اخلاق، شخصیت خداترس، روابط، بشارت و تمام موارد دیگر زندگی است. گذشته از هر چیز، اگر ما به عنوان کلیسا بخواهیم به مسیح احترام بگذاریم و از او اطاعت کنیم، باید مطیع شهادت با اقتدار رسولان او باشیم.

به عنوان مثال، لوقا مراقب بود تا روش‌های مختلف رسولان در گسترش پادشاهی در فرهنگ‌ها و شرایط زیادی را به ثبت برساند. ما در پیروی از نمونه آنها می‌توانیم روش‌های مشابهی را برای پیشبرد هدف پادشاهی خدا در زمانه خودمان به کار گیریم. بله، البته لازم است به خاطر ناپیوستگی‌های میان جهان امروز و جهان باستان تعدیل‌هایی انجام بدهیم. اما از آنجایی که به دنبال انجام ماموریت مشخص خدا هستیم و مقاصد خودمان را دنبال نمی‌کنیم، اهداف و اصولی که در پشت خدمت ما هستند در همه نسل‌ها یکسان باقی می‌مانند.

سرانجام، علاوه بر داشتن همان خدا و همان هدف، مسیحیان امروزی خوانده شده‌اند تا همان انجیلی را که کلیسا در قرن اول اعلام می‌کرد، اعلام کنند.

### همان انجیل

هرقدر هم که دنیا تغییر کند، یک چیز ثابت می‌ماند و آن اینکه: انسان‌ها در سرکشی گناه‌آلود علیه خدا گرفتارند و با دور شدن از او، نومیدانه نیازمند رهایی‌اند. همه ما به همان نجات احتیاج داریم. و آن نجات در مسیح که گناه ما را می‌بخشد و به پادشاهی خودش دعوت می‌کند، قابل دستیابی است. این پیغام انجیلی است که رسولان در قرن اول تعلیم می‌دادند. این همان پیغام انجیلی است که لوقا در اعمال اعلام می‌کرد. و این همان انجیلی است که ما باید بپذیریم و امروز مطیعش باشیم.

و این پیغام همان است. همانطور که پولس و سیلاس به زندانبان فیلیپی در اعمال ۱۶: ۳۱ گفتند:

به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانهات نجات خواهید یافت. (اعمال ۱۶: ۳۱)

این پیغام ساده معانی عمیقی دارد. تمام جوانب زندگی فردی و جمعی ما را در بر می‌گیرد، ما را به چالش می‌کشد تا دگرگون شده و شاهدان انجیل در جهان شویم.

این انجیل برای همه مردم در همه جا و همه زمان‌ها یکسان می‌ماند. همه مردم خوانده شده‌اند تا از سرکشی گناه‌آلودشان توبه و به مسیح اعتماد کنند. همه مردم باید مطیع خداوندی او شوند و پادشاهی او را بنا کنند. این فراخوان باید در زمانه ما به گوش همه افراد برسد، درست همانطور که از زمان رسولان در سرتاسر جهان اعلام شده است. این فراخوان به اطاعت و تسلیم برای یهود و غیریهود، ثروتمند و فقیر، مرد و زن، محترم و مطرود جامعه است. فراخوانی که بر هر نوع مقاومت و مانع چیره می‌شود، زیرا کلام مقتدر مسیح و روح‌القدس برای جلال خدای پدر به آن قدرت می‌بخشد. بر اساس تعلیم اعمال، هیچ آزمایش، تنش، یا مخالفتی قدرت کافی برای مقابله با رشد و انتشار رستگاری را ندارد. به همین دلیل است که مسیحیان امروزی باید در اعلام و تایید انجیل رسولان با شهامت و اصالت عمل کنند و همه را به توبه و ایمان به مسیح بیاورند و آنها را به عنوان شهروندان وفادار پادشاهی خدا همراه خود سازند.

## نتیجه‌گیری

در این درس به فنون بیان لوقا در کتاب اعمال، محتوای کار او، و برداشتن اولین گام‌های صحیح به سوی به کارگیری تعالیم او در زمان حاضر نگاهی انداختیم. بررسی این مسائل باید ما را آماده کند تا در روزگار خودمان تعالیم مقتدرانه او را بفهمیم، تشخیص دهیم و طبق آنها زندگی کنیم.

از بسیاری جهات کتاب اعمال به عنوان دروازه‌ای است که دوران مسیح را به زمان کلیسای امروز پیوند می‌زند. این کتاب شرح می‌دهد که چگونه کلیسای اولیه شخصیت، کارها و تعالیم مسیح را درک می‌کرد و به کار می‌بست، و اساسی برای مسیحیان امروزی است تا همان آرمان‌ها و افکار را در زندگی خودمان بفهمیم و به کار گیریم. پس هر قدر بیشتر بتوانیم اهداف و روش‌های لوقا را در اعمال درک کنیم، بهتر برای زندگی به روشی که پادشاه قیام کرده‌مان را تکریم و خدمت کنیم، مجهز خواهیم شد.